

تقابل واژگان عسر و یسر در قرآن کریم

محمدعلی کاظمی تبار*

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۹

حسین بازودار قوی سفلیایی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۶

چکیده

هدف ما در این پژوهش، بررسی معناشناختی تقابل واژگان عسر و یسر در قرآن کریم است؛ زیرا علاوه بر منابع لغت، یکی از بهترین راه‌های دانستن معنای واژگان، استفاده از واژگانی است که با یکدیگر تقابل معنایی دارند. راه دیگر، استفاده از سیاق آیات قبل و بعد است. گاه از روی سیاق یا معنای واژه مقابل، معنای آن از یک واژه فهمیده می‌شود که در هیچ کتاب لغتی به چشم نمی‌خورد. ضمن اینکه بین معنای فهمیده شده و اصل ریشه واژه، قرابت معنایی وجود دارد. هرچه بیش‌تر به کنه معنای آیات پی ببریم بیش از پیش از مفاهیم آیات قرآن لذت خواهیم برد و بهتر در زندگی مادی و معنوی‌مان از آیات خداوند بهره‌مند خواهیم شد. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، پی بردن به زیبایی‌های معناشناختی آیات قرآن در کنار شناخت دقیق‌تر معنای این دو واژه، آشنایی با دو روش مذکور و بکارگیری آن‌ها است و اینکه هرگاه خداوند ابتدا یسر را ذکر نموده و سپس عسر را بیان کرده است به نوعی هشدار داده و هرگاه عسر بر یسر مقدم شده است نوید و امید به برطرف شدن سختی و رسیدن به گشایش داده است.

کلیدواژگان: قرآن، معناشناختی، تقابل، سیاق، اعجاز بلاغی.

* استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان.

** دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد. hoseinbazodar@gmail.com

نویسنده مسئول: حسین بازودار قوی سفلیایی

مقدمه

خداوند بهترین سخن را به نام قرآن فرو فرستاد. کتابی که از لحاظ کاربرد و گیرایی الفاظ و والایی و هم‌آوایی معانی، در اعجاز همگون است و مطالبی چون مواعظ، براهین و قصص و مسائل مقابل و مختلفی همانند ایمان و کفر، حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شر، حسنات و سیئات و بهشت و دوزخ، البته هر بار به شکلی تازه و به شیوه‌ای نو، در آن مکرر آمده است. از شنیدن آیات آن، لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگار خود می‌ترسند و از آن پس پوست‌ها و دل‌های‌شان و همه وجودشان نرم و آماده پذیرش قرآن خدا می‌گردد و آن را تصدیق و بدان عمل می‌کنند. این کتاب مشتمل بر رهنمود الهی است و خدا هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می‌سازد و خدا هر که را گمراه سازد، اصلاً راهنما و راهبری نخواهد داشت (زمر/۲۳).

سخن شیوا و رسا از نموده‌های متعالی هنر و از جلوه‌های زیبایی است. قرآن کریم کتابی است با ظاهری زیبا، باطنی ژرف و شگفتی‌های بسیار که در عین سادگی بس عمیق است و شیوه بیانی بی‌همتا و دست‌نیافتنی دارد. ابعاد گوناگون زیبایی‌های قرآن کریم از چندین زاویه قابل بررسی است و برای شناخت آن‌ها دانش‌هایی به کار می‌آیند که برای فهم بهتر واژگان مورد نیازند. یکی از این روش‌ها، معنی‌شناسی، تقابل معنایی و روابط مفهومی است که به واسطه آن مفاهیم آیات قرآن آشکارتر شده و توصیف دقیق‌تری از واژه حاصل می‌شود و بهتر می‌توان به زیبایی‌ها و اعجاز آن پی برد. در این پژوهش ابتدا معناشناختی دو واژه "عسر" و "یسر" بررسی شده و سپس به دلایل تقدیم و تأخیر و مفرد و جمع بودن این کلمات به منظور فهم لایه‌های پنهان آیات قرآن کریم و در راستای نقد و اصلاح ترجمه‌های قرآن اشاره گردیده است.

پیشینه پژوهش

حسن‌زاده (۱۳۸۳: ۲۹) در مقاله خود ویژگی بلاغت قرآن را در آرایه تضاد یا طباق و ملحقات آن مانند مقابله، تناقص و رجوع، مورد بررسی قرار داده و می‌نویسد که روابط گوناگون میان واژگان در عبارات قرآنی، یکی از شیوه‌های پرکاربرد در بهره‌گیری از بدیع معنوی در آیات قرآن است. در این میان تضاد معنایی و تقابل بین معانی بخش‌های

مختلف کلام، آرایه‌های متعددی را پدید می‌آورد که یکی از ارکان اعجاز عددی قرآن را تشکیل می‌دهد. اما نقش تضاد و طباق در قرآن به زیبایی‌آفرینی محدود نمی‌شود؛ بلکه در تبیین برخی مفاهیم و آشکار نمودن بعضی معانی، در پاره‌ای از عبارات قرآنی نیز نقش بسزایی دارد، ضرورت انجام این پژوهش احساس شده است. وی به انواع تضاد از قبیل اسامی متضاد، افعال متضادی که از دو ریشه مختلف‌اند، افعال متضادی که از یک ریشه‌اند به واسطه منفی شدن فعل دوم و حروف متضاد اشاره کرده است و پیشنهاد می‌کند که در زمینه کلمات متضاد، کارهای تحقیقی بیش‌تری انجام شود.

لسانی فشارکی و اکبری راد (۱۳۸۶: ۶۲) تلاش کرده‌اند تا به کمک برخی روش‌های معنی‌شناسی که درک معنی، کاربرد دارد و با استفاده از روابط معنایی در سطح جمله و همچنین بافت زبانی و یا تقابل معنایی یک واژه با واژه‌های دیگر، شناختی دقیق‌تر از یک واژه با واژه‌های دیگر ارائه دهند.

سید مهدی سجادی (۱۳۹۴: ۲۶) در مقاله خود نقش تقابل معنایی در ترجمه قرآن و چارچوب معناشناسی زبانی را بررسی نموده است.

مریم نخعی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود تقابل مکانی واژگان "سما" و "ارض" و معناشناسی آن در سیاق قرآن کریم را بررسی نموده است. وی تلاش نموده که ضمن معناشناسی این واژگان، بحث تقابل این دو واژه و دلایل تقدیم و تأخیر آن را در آیات قرآن کریم ارائه دهد. در این پژوهش تلاش می‌شود که معناشناسی این دو واژه را بررسی و سپس به نقش تقابل معنایی در ترجمه آیات، علت تقدیم و تأخیر و زیبایی‌شناختی تقابل انجام شده در قرآن کریم، اشاره شود. در مورد واژگان انتخاب شده در این مقاله، تا کنون پژوهشی انجام نشده است و این پژوهش از این جهت جدید و حائز اهمیت است.

تقابل معنایی

در لغتنامه دهخدا/ تقابل به معنای روبه‌رو شدن، برابر شدن، روبه‌روی هم واقع شدن است. (مصدر) برابر شدن رؤیا روی گردیدن روبه‌روی هم واقع شدن. (اسم) برابری همبری. جمع: تقابلات. (لغتنامه دهخدا) فرهنگ فارسی معین: (تَبْ) [ع.ا] (مص ل.)

برابر شدن، روبه‌روی هم واقع شدن. حکما تقابل را به امتناع اجتماع دو شیء متخالف در موضوع واحد، یا محل واحد، از جهت واحد و در زمان واحد تعریف کرده‌اند (ابن سینا، ۱۵۰۲م: ۱/ ۳۱۲؛ فخر رازی، ۱۳۸۷ش: ۱/ ۱۸۹؛ خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۵ش: ۱/ ۵۳) البته علامه طباطبایی این تعریف را مورد اشکال قرار داده‌اند به این صورت که تمام قیود مذکور در تعریف را، به جز قید اجتماع، استطرادی دانسته‌اند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۴ش: ۱/ ۱۴۵).

بررسی حوزه معنایی واژه "عسر" در قرآن کریم

ریشه این واژه (ع-س-ر) می‌باشد که به همراه مشتقات آن، ۱۲ بار در ۹ سوره و ۱۲ آیه از قرآن کریم به کار رفته است.

بررسی این واژه در معاجم

لسان العرب

نویسنده "عسر" را مخالف "یسر" و به معنای تنگی، سختی و دشواری می‌داند. "إعسار" مصدر است که هم به صورت لازم به معنای به سختی افتادن و هم به صورت متعدی به معنای (درخواست طلبکار از بدهکار و به سختی انداختن او) یا به طور خلاصه، به سختی افکندن مالی می‌آید. کلمه "عُسر" اسم به معنای سختی است که در آیه شریفه ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۲/۲۸۰) نیز به معنای تنگی دست است. "تعاسر" به معنای نداشتن اتفاق نظر است؛ مانند آیه شریفه ﴿فَاتَّوهُنَّ أَجْوَرَهُنَّ وَاتُّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَاتَّرَضُوا لَهُ أٰخِرَىٰ﴾ (طلاق/۶). ارتباط معنایی این واژه با ماده عسر نداشتن اتفاق نظر است که نهایتاً کار را سخت و دشوار می‌سازد. "عَسَرَ عَلَيْهِ"، به معنای بر او تنگ (و سخت) گرفت. "تَعَسَّرَ" نیز یعنی به شک و شبهه‌ای افتاد که نتوانست خلاصی یابد. "عُسران" (جمع أَعسر) و "أَعسر" نیز به معنای کسی است که با دست چپش کار می‌کند، در حالی که دست راست است. دلیل این نامگذاری این است که چون دست راست است و با دست چپ می‌نویسد قطعاً با مشکل و سختی روبه‌رو خواهد بود. "عسیر" به شتری می‌گویند که درست تربیت نشده

است و همچنین شتری که به سختی افتاده تا رام شده و قبل از آن رام نبوده است. "اغْتَسَرَ" زمانی به کار می‌رود که پدر از مال پسر بردارد و فرزندش نیز ناراضی باشد (و اینگونه پسرش را به سختی بیندازد). "عِسر" به دو معنا آمده: قبیله‌ای از اجنه و سرزمینی که در آن اجنه زندگی می‌کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۵۶۶-۵۶۳).

مفردات راغب

نویسنده "عسر" را به معنای سختی معیشت گرفته و نقطه مقابل آن را "یسر" می‌داند. خداوند بلند مرتبه فرمود: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (شرح/ ۵ و ۶). "عُسْرَةٌ": سختی و تنگ دلی از نداشتن مال، در آیات: ﴿فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾ (توبه/ ۱۱۷) و ﴿وَلَئِنْ كَانَتْ ذُو عُسْرَةٍ﴾ (بقره/ ۲۸۰). "أَعْسَرَ فلان": مثل واژه "أضاق" است، یعنی در مضیقه و تنگدستی افتاد. "تَعَسَرَ القوم": دشواری خواستن در کار برای یکدیگر. آیه: ﴿وَلَئِنْ تَعَسَّرْتَ مَا فَسَّرْتُ بِهَا الْآخِرَ﴾ (طلاق/ ۶). "يَوْمٌ عَسِيرٌ": روزی که کار در آن مشکل می‌شود، خداوند فرمود: ﴿وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾ (فرقان/ ۲۶) و ﴿يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾ (مدثر/ ۱۰ و ۹).

التحقيق

صاحب کتاب «التحقيق» نیز در اصل ریشه "عسر"، هم نظر با دیگر لغویان است. "إعسار" از باب افعال است که دلالت می‌کند بر حدوث فعل از فاعل که جهت صدور آن ملحوظ است نه وقوعش که این به خلاف "تعسير" است که جنبه وقوع آن منظور است. "معاسره" دلالت بر تداوم دارد. همانگونه که "تعاسر" باب تفاعل دلالت بر اثرپذیری از باب مفاعله دارد. "يَوْمٌ عَسِيرٌ" دلالت بر تداوم سختی آن روز دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۸/ ۱۲۵).

دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان درباره عسر

الميزان

صاحب «الميزان» "عسر" را به معنای فقر و تنگدستی می‌داند.

﴿وَلِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ﴾ (بقره/۲۸۰) اگر در میان بدهکاران فقیری یافت شود طلبکار باید او را تا "میسره" مهلت دهد و "میسره" به معنای تمکن و دارا شدن است در مقابل "عسرت" که به معنای فقر و تنگدستی است و معنایش این است که آنقدر باید مهلت دهد تا بدهکار به پرداخت بدهی خود متمکن شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲/۶۴۹).

کشاف

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَىٰ النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رُؤُفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه/۱۱۷)

صاحب کتاب مراد از "العسره" را دشواری و تنگدستی می‌داند و این حالت برای کسانی بود که در غزوه تبوک از حیث مرکب دچار کمبود شده بودند و هر ده نفر از یک شتر استفاده می‌کردند و از این باب در تنگدستی قرار گرفته بودند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲/۳۱۶).

﴿فَذَلِكِ يَوْمِذِيَوْمٍ عَسِيرٍ﴾ (مدثر/۹) نویسنده در این آیه "عسیر" را به معنای دشواری گرفته است (همان: ۴/۶۴۶).

﴿فَسَبِّسِرُهُ لِّلْعُسْرَىٰ﴾ (لیل/۱۰) در این آیه صاحب اثر "لِّلْعُسْرَىٰ" را به معنای سختی و دشواری در نظر گرفته است (همان: ۷۶۲).

مجمع البيان

به اعتقاد نویسنده «مجمع البيان»، "عسر" به معنای سختی و مشقت است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲/۲۰۸). "فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ": ساعت عسرت به معنای دشواری کار است؛ جابر گفته: سختی و دشواری از نظر توشه و مرکب و آب و منظور از ساعت وقت است، زیرا ساعت به هر زمانی اطلاق گردد. عمر بن خطاب گفته: به گرمایی سخت و تشنگی دچار شدیم و خدای سبحان در اثر دعای پیغمبر - صلی الله علیه و آله - بارانی بر ما نازل کرد که از آن سختی و گرما آسوده شدیم (همان: ۱۱/۲۲۹). "العسری" مؤنث "اعسر" از "یسر و عسر" توانگری، آسانی و دشواری و تنگدستی است (همان: ۲۷/۱۲۴).

واژگان مشتق از این ماده و کاربرد آن در آیات

"عُسْر": دشواری

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
(۲/۱۸۵)

«ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده که راهنمای مردم و دلایلی روشن از هدایت و جدایی بین حق و باطل است. پس کسی که در این ماه حاضر باشد در وطن باشد باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را به مقدار آنچه فوت شده روزه بدارد. خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد، و می‌خواهد تا شماره معین سی روز را تمام کنید و خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده تکبیر گویند و بزرگ شمارید و شاید سپاس گزارید»

"عُسْرَةٌ": دشواری

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رُؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (۹/۱۱۷)
«البته خداوند بر پیامبر و مهاجران و انصاری که به هنگام دشواری در سفر جنگ تبوک از او پیروی کردند عطف توجه نمود و توبه آن‌ها را پذیرفت، پس از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آن‌ها از فرمان پیامبر منحرف شود که چرا به جنگ نابرابر در عده و عده اقدام کنیم، سپس بر آن‌ها به رحمت خود رجوع کرد که همانا او به آن‌ها رؤوف و مهربان است»

"عُسْرَةٌ": تنگدستی

﴿وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۲/۲۸۰)

«و اگر بدهکار تنگدست بود پس بر شماست مهلت دادن او تا وقت توانایی و صدقه دادن شما گذشت از اصل بدهی برای شما بهتر است اگر بدانید»

"عَسِيرًا": سخت

﴿الْمَلِكُ يَوْمَ يَمِيزُ الْحَقَّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾ (۲۵/۲۶)

«ملکیت و مالکیت حقیقی بدون منازع بر همه هستی در آن روز، از آن خدای رحمان است و آن روز بر کافران روزی سخت خواهد بود»

"عَسِيرٌ": سخت

﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ﴾ (۵۴/۸)

«شتابان و وحشت زده در حالی که گردن کشیده و چشم دوخته به سوی دعوت کننده که اسرافیل و نفخه سوم است می روند؛ کافران گویند: این روز بسیار سختی است»

"تعاسرتم": به مشکل خوردن در توافق

﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَنْصَرُوا لِهِنَّ وَهُنَّ لِتَضَيَّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمِلْنَ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتِمُّوا إِلَيْنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَاسْتَزِعْ لَهُ الْآخِرَى﴾ (۶)

«آن ها را (زنان مطلقه را) در آنجا که ساکن هستید از مقدار توانتان سکونت دهید و به آن ها (از ناحیه مسکن و انفاق و غیره) آسیب نرسانید تا (زندگی را) بر آن ها تنگ نمایید (و مجبور به رفتن شوند) و اگر باردار باشند هزینه آن ها را تا آنگاه که وضع حمل کنند بدهید و اگر برای شما بچه را شیر دادند اجرت آن ها را بپردازید و در میان خود (راجع به حال طفل) به نیکی به مشورت و قبول گفتار یکدیگر بپردازید و اگر توافق برایتان دشوار شد (اگر با هم به مشکل خوردید)، زن دیگری آن بچه را شیر دهد (مرد باید برای طفل دایه بگیرد)»

جمع بندی

با توجه به بررسی کتب لغت، بهترین معنی برای این واژه سختی و دشواری است و البته تمامی معنایی که برای این واژه آمده است با معنای اصلی ارتباط دارد؛ به طور مثال می‌توان به "عُسران" (جمعِ أَعسر) اشاره کرد که به معنای کسی است که با دست چپش کار می‌کند، در حالی که راست دست است و ارتباط معنایی آن با "عسر"، سختی یا دشواری فرد در زمان نوشتن می‌باشد که فرد مورد نظر به هنگام کار کردن با دست چپ که دست غیر تخصصی است با آن روبه‌رو می‌شود یا ارتباط معنایی "تعاسرتم" با ماده "عسر"، که نداشتن اتفاق نظر است که نهایتاً کار را سخت و دشوار می‌سازد.

بررسی حوزه معنایی واژه "یسر" در قرآن کریم

ریشه این واژه (ی - س - ر) می‌باشد که به همراه مشتقات، ۴۴ بار در ۲۷ سوره و ۴۰ آیه قرآن به کار رفته است.

بررسی واژه یسر در معاجم

لسان العرب

نویسنده "یسر" را به معنای نرمی و مطیع بودن چه برای انسان و چه برای حیوان می‌داند. در حدیث است که، این دین اسلام، آسان است. "یسر" ضد "عُسر"، است. از آن آسانی، چشم پوشیدن کمی تشدید اراده شده است. عرب می‌گوید: "قَدْ يَسَّرَتِ الْغَنَمَ إِذَا وَلَدَتْ"، گوسفند راحت شد زمانی که وضع حمل کرد. "و يَسَّرَتِ الْغَنَمَ: کثرت و کثر لبنها و نسلها"، گوسفند (کار را) آسان کرد زمانی که شیرش و نسلش زیاد می‌شود. "رَجُلٌ مَيْسِرٌ" معنایش بر خلاف "الْمُجَنَّبُ" است که به معنی مرد محکم و شدید الخلق است. "الْمَيْسِرَةُ" مانند "الْمَشْرُوبَةُ" می‌باشد. "فَنَظَرَةٌ إِلَى مَيْسِرِهِ" * "الْمَيْسِرَةُ وَالْمَيْسِرَةُ" به معنای سعة و غنا است. "اسْتَيْسَرَ" به معنای (آماده کرد) می‌باشد. ابن سیده می‌گوید "تَيْسَرَ و اسْتَيْسَرَ": به معنای "آسان کرد" می‌باشد. "يَسَّرَهُ" یعنی آن را آسان کرد. لذا در آیه: ﴿فَسَيِّسِرُهُ لِيُشْرِي﴾، حکایت از خیر و در آیه: ﴿فَسَيِّسِرُهُ لِّلْعُسْرِي﴾، حکایت از شر دارد. "میسور" متضاد "معسور" به معنای (آنچه آسان شده است) می‌باشد. "یسار" مخالف

"یمین" است. "میسیر" به معنای قمار در هر چیزی است که به وسیله پیاله باشد. و "یاسر" (قمار باز با پیاله) است. "الیسیر": به معنای قلیل و اندک است. و شیء "یسیر" به معنای چیز سبک است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵/ ۲۹۵).

مفردات راغب

صاحب «مفردات» "یسر" را به معنای آسایش، که ضد "عُسْر" یعنی سختی است می‌داند. از نظر راغب "تیسر" هم در همین معنی است اما "استیسر" یعنی آسان شد. "أيسرتِ المرأةُ- و تيسرتُ في كذا" یعنی آسان و فراهمش کرد. در آیه ﴿فَسَيُسِّرُهُ لِلْعُسْرَى﴾ (اللیل/ ۱۰) هر چند لفظ- "تیسیر" به کار رفته ولی مانند لفظ بشارت در آیه زیر است که: ﴿فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (الجاثیه/ ۸) برای کسانی که مؤمن نیستند سخت و مشکل- "یسیر" و "میسور" یعنی سهل و آسان، در آیه: ﴿وَأَمَّا تَخْرِصَنَّ عَنْهُمْ بَعْثَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهُمَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا﴾ (الاسراء/ ۲۸) در هر چیز کم و آسان "یسیر" به کار می‌رود. واژه "یسیر" به دو معنی به کار رفته: ۱- به معنی آسان و سهل. ۲- به معنی سرزنش مثل واژه بشارت در عذاب، در معنی اول آیات: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُصَافَّ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ (احزاب/ ۳۰) - ﴿لَمْ تَعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ - الحج/ ۷۰ در معنی دوم آیه ﴿وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا يَسِيرًا﴾ (احزاب/ ۱۴) که البته درنگ و توقف آن‌ها در آن حالت طولانی است اما با واژه "یسیر" بیان شده- "میسرة" و "یسار"- یعنی بی‌نیازی و دارایی فرمود: ﴿فَنظَرْنَا إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ (البقره/ ۲۸) وام داران را که نمی‌توانند وامشان مهلت دهید تا به بی‌نیازی و مال برسند. "یسار" یعنی چپ در برابر راست، که با کسره (ی) هم خوانده شده است. "الیسرات" گام‌های سبک و کوتاه- "میسیر" هم از "یسر" گرفته شده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۹۱).

التحقیق

نویسنده "یسر" را به معنای سهولت همراه با وسعت می‌داند، در برابر "عسر" که صعوبت و سختی قرین با مضیقه است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۱۴/ ۲۴۳).

دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان درباره آن

المیزان

صاحب «المیزان» کلمه "یسر" را به معنای "میسور" یعنی آسان می‌داند، کلمه "تیسیر" به معنای تسهیل است، کلمه "یسرنا" صیغه متکلم مع الغیر، از فعل ماضی از مصدر "تیسیر" است و "تیسیر" که مصدر باب تفعیل است به معنای آسان کردن است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۳ / ۵۰۱). ﴿وَيُسِّرْكَ لِلسُّرَى﴾ کلمه "یسری" مؤنث "ایسر" است و مصدر "تیسیر" که فعل "نیسر" از آن مشتق شده به معنای آسان کردن است و در این جمله کلمه "یسری" صفتی است که در جای موصوف محذوف خود نشسته، تقدیر کلام و "نیسرک للطریقه الیسری" است، می‌فرماید ما تو را آنچنان رهنمون می‌شویم که همواره برای دعوت و تبلیغ زبانی و تدابیر، آسان‌ترین شیوه مسالمت آمیز را اتخاذ کنی، عده‌ای را هدایت کنی، و عده‌ای دیگر را اتمام حجت نمایی، و در برابر آزارشان صبر کنی (همان: ۲ / ۴۴۵). ﴿فَسَيُسِّرُهُ لِّلُّسُرَى﴾ کلمه "تیسیر" به معنای تهیه کردن و آماده نمودن است، و کلمه "یسری" به معنای خصلتی است که در آن آسانی باشد و هیچ دشواری نداشته باشد، و اگر تهیه کردن را توصیف کرد به آسانی، در حقیقت نوعی مجازگویی شده، پس منظور از آن این است که توفیق اعمال صالحه را به او بدهد و انجام این گونه اعمال را برایش آسان سازد، به طوری که هیچ گونه دشواری در آن نباشد و یا منظور این است که او را آماده حیاتی سعید کند، حیاتی نزد پروردگارش، حیاتی بهشتی و به این نحو آماده‌اش کند که توفیق اعمال صالحی را به او بدهد و وجه دوم، هم به ذهن نزدیک‌تر است و هم انطباقش با وعده‌هایی که از قرآن معهود ما است منطبق‌تر (همان: ۵۰۹).

مجمع البیان

طبرسی "یسر" را به معنای سهولت و آسانی می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲ / ۲۰۸). "میسر" این است که او را مهلت دهید تا جریان کارش به امام برسد که اگر قرض خود را در کار نیک مصرف کرده امام از سهم غارمین (در زکات) قرض او را ادا کند (همان: ۳ / ۱۹۲). "میسر" به معنای قمار. اصل این کلمه از "یسر" یعنی آسانی است. علت اینکه

دست چپ را "یسار" می‌نامند، این است که آن را برای سهل شدن کارها به فال نیک گرفته‌اند و یا این که با کمک به دست راست، موجب آسان شدن عمل می‌شود(همان: ج۷: ۱۶۵).

تفسیر کشاف

زمخشری "یسر" را به معنای آسانی می‌داند. "یسری" از ماده "یسر" در اصل به معنی زین کردن اسب و لجام نمودن و آماده ساختن آن برای سواری است و سپس به هر کار سهل و آسانی اطلاق شده است(زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۷۶۲).

جمع بندی: کتب «مقایس اللغه»، «مصباح المنیر» و «العین» نیز این واژه را به مانند دیگر کتب لغت که بررسی شده است، ترجمه کرده‌اند. با این توصیف، بهترین معنا برای این واژه در کتب لغت، آسایش و آسانی است. با توجه به بررسی این واژه در تفاسیر ذکر شده و دیگر تفاسیر، بهترین معنا برای واژه "یسر" همان «آسانی» می‌تواند باشد. البته در «تفسیر نمونه» از مشتقات این واژه (میسر) به معنای قمار می‌باشد که در واقع چون وسیله آسانی برای نیل به مال و ثروت است می‌توان گفت کاملاً با معنای اصلی ارتباط معنایی دارد.

ترجمه و توضیح آیات مشتمل بر ماده عسر و یسر

﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (طلاق/ ۷)	
مترجم	ترجمه
المیزان	و باید مرد توانگر به قدر توانگری‌اش و مرد فقیر به قدر توانایی‌اش و خلاصه هر کس از آنچه خدایش داده انفاق کند که خدا هیچ کس را تکلیف نمی‌کند مگر به مقدار قدرتی که به او داده و خدا بعد از هر سختی گشایشی قرار می‌دهد.
معزی	باید هزینه کند گشایشمند از گشایش خویش و آن که تنگ شده است بر او روزی پس باید بدهد از آنچه خدایش داده است تکلیف نکند خدا کسی را جز آنچه بدادش زود است نهد خدا پس از تنگی گشایشی.
مشکینی	کسی که دارای وسعت (مالی) است (برای زن و فرزندش) از دارایی خود هزینه

کند، و کسی که روزی بر او تنگ است، از آن مقدار که خدا به وی داده هزینه کند؛ هرگز خداوند کسی را جز به کاری که توانش را داده مکلف نمی‌کند؛ خدا به زودی پس از سختی آسانی قرار می‌دهد.	
باید که نفقه دهد صاحب ثروت از ثروتش و کسی که تنگ شده باشد بر او روزی او پس باید انفاق نماید از آنچه داده او را خدا تکلیف نکند خدا نفسی را مگر آنچه را که داده او را به زودی گرداند خدا بعد از دشواری آسانی.	مصباح زاده
مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه زن شیرده دهد، و آن که نادار و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد.	الهی قمشه ای
آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدستانند، از آنچه که خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد!	مکارم

غالب ترجمه‌ها "عسر" و "یسر" را به معنای سختی و آسانی ترجمه کرده‌اند و برخی مانند معزی "عسر" را تنگی و "یسر" را گشایش معنا کرده‌اند. از آنجا که سیاق آیه مربوط به انفاق و مسائل معیشتی است ترجمه معزی دقیق‌تر است.

کاربرد این واژگان در احادیث

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أفضل النَّاسِ من عَشقِ العِبَادَةِ فَعَانَقَهَا وَأَحْبَبَهَا بقلبه وباشرها بجسده وتفرغ لها، فهو لا يبالي على ما أصبح من الدنيا على عسرٍ أم على يسرٍ» بهترین مردم کسی است که عبادت را معشوق خود بداند، با عبادت معانقه کند و آن را با تمام وجود لمس نماید و خود را برای آن فارغ سازد، آنگاه نگران نخواهد بود که دنیا برای او به سختی بگذرد یا به آسانی (کلینی، ۱۴۳۰ق: ۲/ ۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۶۷/ ۲۵۳).

عن أبي عبد الله (عليه السلام): «قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَلْفُ دَرَاهِمٍ أَقْرَضَهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً، وَكَمَا لَا يَحِلُّ لِغَرِيمِكَ أَنْ يَمْطُلَكَ وَهُوَ مُوسِرٌ، فَكَذَلِكَ لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَعْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ مَعْسِرَ» برتری قرض نسبت به صدقه: هم وظیفه بدهکار توانمند را مشخص می‌فرماید که نباید سهل انگاری کند و هم به

طلبکار می‌فرماید که در صورت تنگدستی مدیون، به او مهلت دهد. همانگونه که بدهکار "موسر" روا نیست طلبکار را معطل کند، طلبکار هم مجاز نیست بر بدهکار "مُعْسِر" سخت بگیرد، در حالی که از ناتوانی او آگاه است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸/۳۳۴، طوسی، ۴۱۳ق: ۱۹۳/۶).

انواع تقابل

از نظر معناشناسان انواع تقابل معنایی در واژگان به شرح ذیل است:

تقابل مدرج: این نوع تقابل در میان صفاتی وجود دارد که به لحاظ کیفیت، قابل درجه بندی نیستند. یکی از ملاک‌های صوری این متقابل‌ها، کاربرد آن‌ها به صورت صفت تفصیلی است. در چنین شرایطی نفی یکی از واژه‌های متقابل، اثبات واژه دیگر نیست؛ «مثلاً جلال پیر نیست» ضرورتاً به این معنا نیست که «جلال جوان است» (صفوی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۸؛ کریستال، ۲۰۰۳م: ۸۹).

تقابل مکمل: در تقابل مکمل، نفی یکی از دو واژه متقابل اثبات واژه دیگر است؛ یعنی وقتی گفته می‌شود «جلال زنده نیست» ضرورتاً به این معنا نیست که «جلال مرده است» (صفوی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۸؛ کریستال، ۲۰۰۳م: ۸۹).

تقابل دوسویه: این دسته از تقابل‌ها در رابطه دوسویه با یکدیگر قرار دارند مثل «خرید/فروش»، «زن/شوهر» و غیره، به این معنی که اگر «جلال کتابی از جواد خریده باشد» پس «جواد کتابی به جلال فروخته است».

تقابل جهتی: نمونه بارز این نوع تقابل «رفت/آمد» است. در چنین تقابلی «آمد» نسبت به «رفت» مستلزم حرکت به سوی یا از سوی گوینده است (صفوی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۹) در واقع این نوع تقابل، حرکت را توصیف می‌کند.

تقابل واژگانی: در این نوع تقابل واژه‌های متقابل به کمک تک واژه‌های منفی ساز در تقابل با همدیگر قرار دارند مثل «آگاه/ناآگاه» (همان: ۱۱۹).

تباین معنایی: بحث درباره تقابل معنایی به دو واژه محدود می‌شود که مفهومشان در تقابل با یکدیگر است. تباین معنایی در اصل نوعی تقابل معنایی است که میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی پدید می‌آید. در این باره می‌توان گروه‌هایی نظیر شمال

جنوب شرق غرب را در نظر گرفت که نفی یکی از آن‌ها، تأیید دیگر اعضای این حوزه است (همان: ۱۲۱-۱۲۰).

تقابل واژگان عسر و یسر در آیات قرآن

تقابل این دو واژه از نوع دوسویه است؛ اگر محمولی، رابطه بین دو چیز یا دو شخص را توصیف کند و محمول دیگری همان رابطه را هنگامی که آن دو چیز یا دو شخص به ترتیب تضادی ذکر کرده باشند، توصیف کند آن دو محمول در تقابل دو سویه با هم قرار دارند؛ مانند بالا و پایین. این نوع تقابل را وارونه هم می‌نامند (هرفورد و همکاران، ۲۰۰۷م: ۱۲۳).

واژه عسر و یسر ۶ بار در ۴ سوره و ۶ آیه قرآن در مقابل هم قرار گرفته‌اند.

﴿شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُدِّ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ... لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
(البقرة/ ۱۸۵)

﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (البقرة/ ۲۸۰)

﴿لِيُتَفَقَّ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَفَقَّ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكُفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (الطلاق/ ۷)

﴿فَسَيُسِّرُهُ لِّلْعُسْرَى﴾ (الليل/ ۱۰)

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (الشرح/ ۵)

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (الشرح/ ۶)

تقابل "یسر" و "عسر" گاهی معادل حق و باطل، صدق و کذب، حسن و قبح و مانند آن قرار می‌گیرد که تطبیق (نه تفسیر) آن بر ولی خدا و عدو او کاملاً قابل ادراک است و زمانی ناظر به هماهنگی با فطرت و ساختار نظام آفرینش است که آن نیز قابل ادراک است، زیرا هر موجودی بر اساس خلقت در مسیر مستقیم قرار دارد: ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود/ ۵۶) و خداوند هر چیزی را بر اساس استقامت و استوار اداره می‌کند و کژراهه رفتن، تحمیل بر ساختار اصلی آفرینش است، هرچند نسبت به برخی از مراحل

ادراکی، مانند حسّ، و نیز نسبت به بعضی از مراتب تحریکی، مانند شهوت، تحمیل تلقی شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳ش: ۹/۳۸۶).

تقدیم و تأخیر

تقدیم و تأخیر از اسلوب‌های معانی قرآن، و یکی از اسباب اجمال است. در قرآن کریم برخی الفاظ، مقدم یا مؤخر از جایگاه خویش در آیات آورده شده‌اند. این کار علاوه بر اینکه اصولی و کاملاً نظام مند است و بر اعجاز بیانی قرآن کریم دلالت دارد، بر زیبایی اسلوب و شیوایی تعبیر و حسن سبک نیز می‌افزاید. در قرآن کریم آیاتی با ساختار مشابه وجود دارد که در این آیات، گاهی اسلوب تقدیم و تأخیر به کار رفته است و بی‌شک این اسلوب‌ها، حامل غرض خاصی می‌باشند. با دقت و بررسی تفاسیر «مجمع‌البیان»، «المیزان» و «نمونه»، متوجه این مهم می‌شویم که عملکرد آن‌ها در برخورد با این دسته از آیات، متفاوت بوده است. بازتاب تفسیر «المیزان» در پاسخگویی به تقدیم و تأخیر آیات متشابه لفظی، از تفاسیر دیگر بهتر است و پس از آن، عملکرد «تفسیر نمونه»، در مرتبه بعد از «المیزان» قرار می‌گیرد. اما صاحب تفسیر «مجمع‌البیان» در این موضوع، رویکرد و تلاش خاصی انجام نداده است و تنها در مواردی به تشابه میان آیات اشاره کرده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

در مقدم و مؤخر قرآن به دو وضعیت برمی‌خوریم:

وضعیت اول: به حسب ظاهر، معنای آیه مشکل است؛ اما وقتی دانستیم که از قبیل تقدیم و تأخیر است، معنای آن روشن می‌شود.

وضعیت دوم: تقدیم و تأخیر باعث ابهام در فهم معنا نشده است. در این صورت، سخن از علت تقدیم و تأخیر است که فواید مختلفی برای آن برشمرده‌اند؛ مانند تبرک، تشریف، تعظیم، مناسبت، ترغیب و برانگیختن (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۳/۳۸-۴۷؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۳/۲۳۳).

تقابل "عسر" و "یسر" در شکل تقدیم "یسر" بر "عسر"

﴿فَسَيِّرْهُ لِّلْعُسْرِ﴾ (اللیل/۱۰)

تقابل این ویژگی‌ها همچون تقابل لیل و نهار است که در آغاز سوره به آن‌ها قسم خورده شده است. معنای "فَسَنِّيْسِرُهُ لِّلْعُسْرَى" آن است که ما انجام شر و بدی را برای او آسان خواهیم کرد و به دست او انجام شر را همواره می‌کنیم تا که اسباب خیر بر او سخت و دشوار آید و از انجام آن ناتوان گردد تا اینکه سرانجام به سمت آتش رهسپار شود که همان سرانجام سختی و دشواری است، آنگونه که بهشت هم سرانجام آسانی و دشواری است (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۵ / ۴۴۰).

در کتاب «التبیین فی اقسام القرآن» آمده است: آماده کردن برای دشواری و مهیا گشتن برای آن به دو صورت اتفاقی می‌افتد، یکی آنکه میان شخص و اسباب و عللی که موجب انجام خیر می‌شود فاصله افتد و به جای آن شر و بدی بر دل و نیت و زبان و اعضای بدنش ساری و جاری شود.

دومین چیزی که آدمی را به سمت این مسیر می‌کشانند ایجاد شدن مانع و حجاب میان او و پاداش آسان است به عبارت دیگر میان انسان و بهشت فاصله و مانع ایجاد می‌شود (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۴۱).

عسری اسم تفصیل بر وزن فَعَلَى و مؤنث اعسر است. همانگونه که در مورد "یسری" هم گفته شود که این کلمه مؤنث "ایسر" است. موصوف این واژه حذف شده تا دلالت بر اطلاعات و عمومیت کند. به این معنی که دربرگیرنده هر آن چیزی باشد که او را مهیای امر دشوار می‌سازد و پذیرش و انجام عمل خیر برایش سخت می‌گردد تا اینکه سرانجام عاقبت این امر دشوار را ببینند که سخت‌ترین و شدیدترین جهنم است که دشوارترین چیز و سخت‌ترین مسأله است و نهایت حتمی چنین انسانی است. ممکن است راه خیر یسری نامیده شده باشد؛ چراکه فرجام آن یسر و آسانی است و راه شرّ عسری نامیده شده چون فرجامش دشواری است. ممکن است مقصود "از یسر" و "عسر" دو راه بهشت و دوزخ باشد یعنی به زودی در آخرت آن دو گروه بخشنندگان و بخیلان را به دو راه بهشت و دوزخ راهنمایی می‌کنیم (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴ / ۵۰۱).

در این تقابل از "عسر" به عنوان راه شر و از "یسر" به عنوان راه خیر یاد شده که سرانجام اولی دوزخ و دومی بهشت می‌باشد. در این نوع تقدیم نشانه‌های رحمت خداوند کاملاً مشهود است.

تقابل "عسر" و "یسر" در شکل تقدیم "عسر" بر "یسر"

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (الشرح/۵)

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (الشرح/۶)

گویی فرموده است: آنچه را به تو بخشیده‌ایم تفضل و انعامی است، بنابراین از بخشش ما ناامید مشو، زیرا با آن دشواری که تو گرفتار آنی آسانی هست و لفظ "یسر" مورد انتظار را با یسری که همراه "عسر" است نزدیک ساخت تا آنجا که آن را مقارن "عسر" قرار داد تا پیامبر صلی الله علیه و آله را بیش‌تر دلداری دهد و قوت قلب ببخشد. «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» این جمله تکرار جمله اول است تا معنایش در جان‌ها و دل‌ها استوار شود، بنابراین معنای روایت منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله که روزی خندان بیرون آمد و می‌فرمود: یک "عسر" بر دو "یسر" غالب نمی‌شود، این است که «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» وعده‌ای مکرر از خداوند سبحان است و سزاوار است که وعده حق بر رساترین معنایی حمل شود که لفظ در بر دارد و ما می‌دانیم که جمله اول و وعده‌ای است به اینکه ناگزیر پس از هر عسری، یسری است و جمله دوم وعده‌ای است مستأنفه به این معنی که پس از هر عسری، یسری هست پس بنا بر مستأنفه بودن جمله دوم دو "یسر" داریم و "عسر" تنها یکی است [معنای روایت همین است] چون الف و لام تعریف در العسر یا برای عهد است و آن همان عسری است که گرفتارش بودند پس یکی است؛ زیرا "عسر" در آیه حکم ذیل را در این مثال دارد: "انّ مع زید مالا، انّ مع زید مالا". یا الف و لام العسر، برای جنسی است که هر کسی می‌داند پس باز هم یک "عسر" است. اما یسر نکره است و شامل بعضی از "یسر" می‌شود و هر گاه آیه دوم مستأنفه باشد نه تکراری، به یقین شامل بعضی از "یسر" می‌شود که غیر از "یسر" اول است پس دو "یسر" است. ممکن است مقصود از دو "یسر" در آیه، "یسر" دنیا و آخرت باشد و برای تعظیم آن را نکره آورده و گویی فرموده است: «انّ مع العسر یسرا عظیما وایّ یسر»، با هر عسری یسر بزرگی است و چه یسری! (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴/۵۰۸). طبری در ذیل این دو آیه می‌نویسد، با هر سختی و ناراحتی آسایش و آسانی خواهد بود، عطاء از ابن عباس روایت کرد که گفت خداوند متعال می‌فرماید من یک ناراحتی و شدت خلق کردم و دو راحتی و آسایش، پس هرگز سختی بر راحتی شدت بر رفاهیت غلبه

نکند. از حسن روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله یک روز بیرون آمد در حالی که خوشحال و فرحناک و خندان بود و می فرمود هرگز شدت بر راحتی و آسایش پیروز و غالب نشود، «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» تنبیه آیات شریفه آگاهی است از جانب خداوند منان به مؤمنان به لطف و احسان که در پایان "عسر" و سختی دوره زمان از سختی و فقر و ابتلا، و ناگواری های ابناء زمان صبر نمایند و امیدوار باشند که محققاً بعد از "عسر" وعده سبحانی منجر و "یسر" خواهد آمد چنانچه گفته اند:

إِذَا اسْتَدَّتْ بِكَ الْعُسْرُ تَفَكَّرْ فِي الْمَنْشَرِ

فَعُسْرٌ بَيْنَ يَسْرٍ بَيْنَ إِذَا فَكَّرْتَهَا فَافْرَحْ

- هرگاه سختی به تو فشار آورد اندیشه و فکر کن در سوره مبارکه "الم نشرح" که یک "عسر" را میان دو "یسر" قرار داده که وقتی در پیرامون آن اندیشه کردی خوشحال شو که فرج و گشایش زودرس در مقابل خواهد بود

و مانند این است آنچه زجاج گوید که خدا یاد کرد "عسر" را با الف و لام آنگاه دو بار آن را یاد کرد پس معنایش این است که با یک "عسر" دو "یسر" با یک شدت و سختی دو گونه آسانی و راحتی خواهد بود و ابوبکر بن انباری گوید:

إِذَا بَلَغَ الْعُسْرُ مَجْهُودَةً فَتَقَّ عِنْدَهُ ذَاكَ بِئْسَ سَرِيعِ الْمَنْ تَرَى نَحْسَ الشِّتَاءِ الْفَطِيحِ

- هرگاه سختی و فشار به نهایت خود رسید، پس امیدوار باش در این موقع به سهولت و رفاهیت زود رسی، آیا ندیدی نحوست زمستان سختی را که پشت سر آن می آید بهار خوش بخت شگفت انگیزی

و اسحاق بن بهلول قاضی سروده که:

فَلَا تَيَأَسْ وَ إِنِ اعْسَرْتَ يَوْمًا
فَلَا تَتَّظِنَنَّ بِرَبِّكَ ظَنَّ سَوْءٍ
فَإِنَّ الْعُسْرَ يَتَّبِعُهُ يَسَارٌ
فَقَدْ آيَسَرْتَ فِي دَهْرٍ طَوِيلٍ
فَإِنَّ اللَّهَ أَوْلَى بِالْجَمِيلِ
وَقَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ كُلِّ قِيلٍ

- پس مأیوس و ناامید مشو اگرچه روزی در فشار قرار گرفتی، پس قطعاً متمکن و توانا خواهی شد در روزگار درازی. و به پروردگارت گمان بد مبر، پس البته خدا سزاوارتر است به خوش گمانی و حسن ظن. پس قطعاً در پی فشار و سختی

توانگری و آسانی خواهد بود و سخن خدا راست‌ترین هر سخن و کلام است، شاهد این ابیات کلمه عسر در بیت سوّم است که در پی آن یسر و توانگری است پس قطعاً در پی فشار و سختی توانگری و آسانی خواهد بود و سخن خدا راست‌ترین هر سخن و کلام است.

شاهد این ابیات کلمه "عسر" در بیت سوّم است که در پی آن یسر و توانگری است چنانچه فرمود، «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (همان: ۱۰ / ۷۷۲-۷۷۱).

جمع بندی

با توجه به آیات ۵ و ۶ سوره شرح ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ ما می‌دانیم که آیه اول وعده‌ای است به اینکه ناگزیر پس از هر عسری، یسری است و جمله دوم و وعده‌ای است مستأنفه به این معنی که پس از هر عسری، یسری هست پس بنا بر مستأنفه بودن جمله دوم دو "یسر" داریم و "عسر" تنها یکی است چون الف و لام تعریف در "العسر" برای دو چیز است: یا برای عهد است و آن همان عسری است که گرفتارش بودند پس یکی است.

یا الف و لام "العسر"، برای جنس است به این معنا که جنس سختی‌های دنیوی یکی است؛ پس باز هم یک "عسر" داریم و آن معرفه است. اما "یسر" در آیه اول مربوط به آسانی دنیوی است که پس از سختی دنیوی می‌آید و در آیه دوم مربوط به آسانی اخروی می‌باشد که پاداش مؤمنین به خاطر صبر بر سختی‌های دنیوی است. لذا آیه دوم استیناف آمده است و همچنین از لحاظ علم بلاغت، حق مسند الیه این است که معرفه باشد به این جهت که حکم تمام‌تر و مفیدتر باشد (هاشمی، ۱۳۸۱ش: ۷۸) اما اینجا یسر که همان مسند الیه است نکره و مؤخر آمده است. علت مقدم شدن و معرفه آمدن "عسر" عهد حضوری و ذهنی مشکل و سختی پیش آمده می‌باشد و دلیل نکره آمدن "یسر" اول مخفی بودن آسانی است که به زودی آسانی دنیوی روشن می‌گردد و دلیل نکره آمدن "یسر" دوم تعظیم است زیرا که راحتی و آسانی در آخرت بسیار عظیم‌تر از سختی‌های زودگذر و فانی دنیوی است.

نتیجه بحث

تقابل از اعجاز قرآن است و شوری در مخاطب ایجاد می‌نماید که درک بیش‌تری در اعجاز قرآن داشته باشد. به هر شکل با توجه به تحلیل و بررسی انجام شده در این مقاله، نتایج ذیل به دست آمد:

با بررسی این گونه تقابل‌ها از جمله "عسر" و "یسر" انسان خیلی بیش‌تر به زیبایی‌های معناشناختی آیات قرآن پی می‌برد.

آشنایی و فهم بیش‌تر با معنا و مفهوم آیات از طریق بررسی تقابل انجام شده حاکی از آن است که هرگاه خداوند ابتدا "یسر" را ذکر نموده و سپس "عسر" را بیان کرده است به نوعی هشدار داده است و هرگاه "عسر" بر "یسر" مقدم شده است نوید و امید به برطرف شدن سختی و رسیدن به گشایش داده است که تقابل این جابه‌جایی بین "عسر" و "یسر" اخطار معانی خوف و رجا است.

بنا به فرموده خداوند بزرگ و باری تعالی سر انجام هرگونه سختی، آسانی است چه از لحاظ مادی و چه معنوی. رحمت خداوند مشمول انسان‌هایی خواهد شد که در سختی‌ها توکل بر خداوند منان می‌نمایند.

در بحث ادبی، در این آیات کریمه ﴿فَلْيَنْفِرْ مَعَ الْعَسْرِ يُسْرًا ۚ إِنَّ مَعَ الْعَسْرِ يُسْرًا﴾ نیز بیان پارادوکسی دیده می‌شود. با اندکی تأمل درمی‌یابیم که خداوند فرمود «إِنَّ بَعْدَ الْعُسْرِ يُسْرًا» بلکه معیت و همراهی مطرح شد؛ یعنی با سختی و در سختی آسانی است. «مع» بر مصاحبت و همراهی دلالت می‌کند و این نکته را می‌فهماند که هیچ‌گاه نمی‌شود از دل سختی آسانی در نیاید. بنا بر تفسیری دیگر کلمه «مع» در اینجا در غیر معنای حقیقی خود به کار رفته است؛ زیرا "عسر" و "یسر" نقیض هم‌اند همراهی آن دو محال است. بنابراین مشخص می‌شود که معیت در اینجا به مفهوم نزدیکی آسانی پس از رسیدن سختی است. با این توضیح توهم تعارض میان این آیه با «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» برطرف می‌شود.

با توجه به تقابل و بررسی کتب لغت، تفاسیر و... معنای اصلی و دقیق واژه "یسر" آسانی و واژه "عسر" سختی می‌باشد که این عمومی‌ترین معنا است و البته برای شناخت معنای دقیق این دو واژه، سیاق آیه، مباحث صرفی و نحوی و ادبیاتی باید در نظر گرفته

شود. به عنوان مثال "عسر" و "یسر" در آیه ۷ سوره مبارکه طلاق به معنای تنگی و گشایش است که این معنا بر اساس سیاق آیه به دست آمده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن القيم الجوزیه، محمد بن ابی بکر. ۱۳۸۷ش، **التبیین فی اقسام القرآن**، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۳۷۶ش، **الالهیات من کتاب الشفاء**، قم: بی نا.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

ابن عباس، عبدالله بن عباس. ۱۴۱۳ق، **غریب القرآن فی شعر العرب**، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافية.

امین، نصرت بیگم. بی تا، **مخزن العرفان در علوم قرآن**، بی جا: بی نا.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ش، **تسنیم**، قم: انتشارات اسراء.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت: دار الشامیة.

زرکشی، محمد بن بهادر. ۱۴۱۰ق، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دار المعرفة.

زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. ۱۴۲۱ق، **الإتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الکتب العربی.

شوکانی، محمد. ۱۴۱۴ق، **فتح القدیر**، دمشق: دار ابن کثیر.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۶۲ش، **نهایة الحکمة**، قم: موسسه نشر اسلامی.

طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۲ق، **جوامع الجوامع**، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.

طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۷ق، **تهذیب الاحکام**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۱۰ش، **المباحث المشرقیة فی علم الالهیات والطبیعیات**، بیروت:

چاپ محمد معتصم بالله بغدادی.

کریستال، دیوید. ۲۰۰۳م، **دیکشنری از زبان شناسی و آوایی**، آکسفورد: انتشارات بلکول.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. ۱۳۶۱ش، **اساس الاقتباس**، تهران: چاپ مدرس رضوی.

هاشمی، احمد. ۱۳۸۱ش، **جواهر البلاغه**، قم: حوزه علمیه، مرکز مدیریت.

Bibliography

Holy Quran

Ibn al-Qaim al-Jawziyah. Mohammad ibn Abi Bakr, 2008, Al-Tebyan al-Qur'an, Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.

Ibn Sina, Hossein ibn Abdullah, ۱۹۹۷. Al-Hilayat Man Book al-Shafa, Qom: Print by Hassan Hassanzadeh Amoli.

Ibn Abbas, Abdullah bin Abbas. 1413 AH, Gharib al-Qur'an in Al-Arab Poetry, Beirut: Institution of Al-Qa'afafi

Ibn al-Mutaq, Muhammad ibn Makram. 1414 AH, Lisan al-Arab, Beirut: The eloquent and eloquent. and eloquent thinker

Amen, let's say Nosrat. [Bihar], the repository of the mystics in the Qur'an, [Bihar]: [Bihar Javadi Amoli, Abdullah. 2014, Tasnim, Qom: Esra Publication. Raghav Esfahani, Hussein bin Mohammad. 1412 AH, Singularities of the Qur'an, Beirut: Dar al-Shami

Zarqashi, Muhammad bin Bahador. 1410 AH, al-Burhan al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafi.

Life, Mahmoud. 1407 AH, Discovering the Truthful Taznasil Truths, Beirut: Al-Arabi Books

Suwaiti, Abdul Rahman ibn Abi Bakr. 1421 AH, Examining the Quranic Sciences, Beirut: Dar al-Arab Book.

Sheikh Har Aghani, Mohammad bin Hassan. 1409 AH, Al-Shi'ite Properties, Qom: Al-Bayt Institute of Islam.

Shokani, Muhammad ۱۴۱۴ .AH, Fatah al-Qadir, Damascus, Dar Ibn Kathir

Tabatabai, Mohammad Hossein. 1995, Tafsir al-Mizan, translation by Mohammad Bagher Mousavi. Hamdani, Qom: Islamic Publications Office

Tabrizi, Fazl bin Hassan. 1372, The Assembly of Al-Biyan Fi Tafsir al-Quran, Tehran: Nasser Khosrow Publications.

Tabrizi, Fazl bin Hassan. 1412 AH, Communities of Qom, Qom: Qom Seminary, Management Center

Tusi, Muhammad bin al-Hasan. 1407 AH, Tazibat al-Ahkam, Tehran: Dar al-Islam al-Islam.

Fakhrazi, Muhammad bin Omar. 1410 AH, Al-Masharqiyah al-Mashriyat al-Fayyat al-Tayyibiyyat, Beirut: Printed by Mohammad Motasem Balla Baghdadi.

Tabatabai, Mohammad Hossein. 1362, The final al-Hikmah, Qom: Institute of Islamic Publishing.

Mostafou, Hassan, 1368, Al-Karim Al-Qur'an Research, Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance.

Nasir al-Din Tusi, Mohammed bin Mohammed. 1361 AD, Base of al-Katbbas, Tehran: Printed by Modarres Razavi.

Hashemi, Ahmed. 2002, Jawahar-e-Balagheh, Qom: Seminary, Management Center.

Crystal, David. 2003, Dictionary of Linguistics and Phonetics, Oxford: Blackwell Publishing

